

مصاحبه با آقای دکتر سپیداحمد زرهانی

مسئول کمیته‌ی تخصصی اختیارات و میزان تمرکز و عدم تمرکز

اعتباربخشی و امکان‌سنجی در جلساتی که آموزش و پرورش تشکیل می‌داد، شرکت می‌کردیم و در نهایت به این برون‌داد رسیدیم که در ویرایش نخست و دوم سند متجلی است. هم‌اکنون نیز در حال بازنگری اصل گزارش کمیته‌ی تخصصی مربوط هستیم.

■ **آقای مقدادی:** به‌نظر من مهم‌ترین خروجی کمیته‌ی تخصصی شما «حرکت به سوی کاهش تمرکز» است. لطفاً در مورد این خروجی و سایر نکات اصلی و کلیدی توضیح کوتاهی ارائه فرمایید.

■ **دکتر زرهانی:** ما به این نتیجه رسیدیم که نظام متمرکز در تألیف کارآمدی ندارد. هم در هزاره‌ی گذشته مدارس اسلامی این چنین نبوده‌اند و هم

از چند ویرایش مبنای اقدامات ما شد. به موجب این چارچوب قرار شد اسناد فرادستی را مطالعه کنیم که مسئولیت آن را بنده پذیرفتم. هم‌چنین قرار شد ادبیات رایج در دنیا در زمینه‌ی برنامه‌ی درسی طی یک فراتحلیل مطالعه شود که مسئولیت آن را آقای دکتر فتحی پذیرفتند تا بر اساس این‌ها یک مدل ارائه کنیم که آن مدل مورد اعتباربخشی، ظرفیت‌یابی و امکان‌سنجی قرار گیرد که آقایان دکتر فانی و مهندس زرافشان عهده‌دار این زحمت شدند. بر همین اساس کاری پنج مرحله‌ای انجام دادیم که در مرحله‌ی اول اسناد بالادستی، قوانین موضوعه، قانون اساسی، مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، سند چشم‌انداز و قوانین مختلف در آموزش و پرورش مطالعه و تنظیم شد و برای

■ **آقای مقدادی:** ضمن عرض ادب و تشکر از حضرت‌عالی؛ کمیته‌ی تخصصی اختیارات و میزان تمرکز و عدم تمرکز از چه زمانی و با چه افرادی کار خود را شروع کرد و پژوهش‌ها و اقدام‌های کمیته چه بوده است؟

● **دکتر زرهانی:** بسم‌الله الرحمن الرحیم - در آبان‌ماه سال ۸۵ با حضور آقایان دکتر فانی، دکتر اکرمی، مهندس زرافشان، دکتر عصاره، دکتر میرکمالی، دکتر فتحی و مهندس امینی (به‌عنوان ناظر) کار خود را شروع کردیم و خوش‌بختانه به چارچوبی خاص برای انجام مأموریتمان رسیدیم که این چارچوب را در اجلاس تنکابن و تهران در معرض دید صاحب‌نظران قرار دادیم و در نهایت استاد ذوعلم مدیر محترم، طرح آن را نقد و بررسی کردند و بعد



اجرای آن را به مدارس و اگذار کنند که شایستگی‌های لازم و انسجام و تمکن علمی داشته باشند. بدین ترتیب تمرکززدایی سیری تدریجی دارد و به صورت گام‌به‌گام انجام خواهد شد و حالت کن‌فیکون ندارد بلکه پیوستگی خاص بین صدر و ذیل وزارت آموزش و پرورش محفوظ خواهد ماند و ارزش‌یابی‌ها، رصد کردن‌ها، نظارت‌ها، آموزش‌های مستمر و دانش‌افزایی‌ها استقرار پیدا خواهد کرد. به گونه‌ای که ما از مزایای حرکت به سمت کاهش تمرکز به شکل گسترده برخوردار شویم و آسیب‌ها و مضرات را قبل از این که

تاریخ و ادبیات که بار مکتبی دارند و مضامین این آموزش‌ها معرفت‌افزایی و بینش‌آفرینی است، اصل را بر حفظ تمرکز گذاشته‌ایم تا زمانی که آمادگی و زمینه‌های لازم ایجاد شود. واگذاری بدون ایجاد آمادگی کار درستی نیست و ممکن است استان‌ها این واگذاری‌ها را به رسمیت نشناسند و پس از مدتی کوتاه پس بزنند. لذا فراهم کردن شرایط و آموزش، نظارت و ارزیابی عملکرد ایجاد رقابت بین مؤلفان، محققان و نهادهای همکار برای ما یک اصل است.

از نکات حائز اهمیت دیگر در این پژوهش عدم اعمال قانون همه یا هیچ است. یعنی به هم می‌آید ۱۰۰،۰۰۰ واحد آموزشی و ۸۰۰-۷۰۰ منطقه و ۳۰ استان اختیارات مساوی ندهیم و انتظارات مساوی نداشته باشیم. لذا این مکانیزم باید در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی یا هر نهادی که برنامه‌ی درسی ملی را به منصفی ظهور می‌رساند، طراحی و پیش‌بینی شود و اختیارات بر اساس شناخت ظرفیت‌ها و توانایی‌ها واگذار شود. در استان‌هایی که کتاب‌ها و واحدهای درسی تولید می‌شود. باید

دنیای امروز میل به تمرکززدایی دارد. حتی تا مدت‌ها پس از مشروطه، نظام آموزشی ما غیرمتمرکز بود. در اوایل روی کار آمدن رضاخان (حدود سال ۱۳۰۴) ما به تدریج به سمت نظام متمرکز در تألیف و تدوین محتوا رفتیم. تمرکززدایی در دو بستر افقی و عمودی امکان‌پذیر است. در بستر عمودی بخشی از اختیارات قابل واگذاری به بخش غیردولتی اعم از دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مراکز پژوهشی در جامعه است که وزارت آموزش و پرورش می‌تواند با این‌ها ارتباط برقرار کند. به‌طور کلی طراحی، تولید و اجرای برنامه‌های درسی قابل واگذاری است که اولویت با دروس ریاضی، علوم تجربی و مهارت‌آموزی و به‌طور کلی درس‌هایی که بار ایدئولوژیکی کم‌تر دارند (مثل جغرافیا)، خواهد بود. یعنی دروسی که واگذاری آن‌ها به بخش‌های مختلف آسیبی به وحدت ملی و انسجام ملی مانمی‌رساند.

روی این اصل خروجی ما عدم تمرکز نیست؛ همان‌طوری که تمرکز نیست بلکه حرکت به سوی کاهش تمرکز است. در درس‌هایی مثل دینی،

اثرگذار شود، بشناسیم و برای دفع آن‌ها چاره‌اندیشی کنیم. طبیعتاً یکی از احتیاط‌هایی که در اجرای این برنامه باید انجام پذیرد، ایجاد یک مرکز قوی در وزارت آموزش و پرورش برای مهندسی تمرکززدایی است. این مرکز به مغزهای متفکر، برنامه‌ریز و آگاه به برنامه‌ریزی درسی و آگاه از محتوای این سند (برنامه‌ی درسی ملی) مجهز است و اگر کسی این سند

این سند یک سند مطمئن، محکم و در عین حال قابل تکامل است و صامت و ساکت نیست و این فرصت را به آیندگان می‌دهد که در مهندسی مجدد بر مبنای این سند اگر با گرهی مواجه شدند، آن را بگشایند

را درک نکنند، چه بسا دچار لغزش شود و برخلاف منویات طراحان کارهایی را انجام دهد که بعدها جامعه را به توقف و تجدید نظر در طرح بکشانند.

■ آقای مقدادی: برنامه‌ی درسی ملی «گام نخست است نه حرف آخر»، حال

با توجه به منویات مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت و لزوم تحول بنیادین در آموزش و پرورش، از دیدگاه جناب عالی این سند تا چه حدی ما را به آن انتظاری که در رهبری و نظام وجود دارد، می‌رساند؟ برای اجرایی شدن این سند چه توضیح و رهنمودی دارید؟

● **دکتر زرهانی:** این سند از حیث تئوریک تابلوی خوبی برای تحول است و می‌تواند خاستگاه یک تحول قابل قبول باشد. شما می‌دانید که گام مهم، همان طراحی است؛ یعنی تقویم یک اندیشه و ایجاد یک ساز و کار و فراهم آوردن یک سازمان فکری که از بطن آن «یک باید کارآمد» درآید، کار بسیار مهمی است. این سند یک سند مطمئن، محکم و در عین حال قابل تکامل است و صامت و ساکت نیست و این فرصت را به آیندگان می‌دهد که در مهندسی مجدد بر مبنای این سند اگر با گرهی مواجه شدند، آن را بگشایند. آقای ذوعلم درست گفته‌اند که این حرف آخر نیست اما یک حرف منطقی و معقول است که می‌تواند مبنای ده‌ها سخن و حرکت سنجدیه‌ی دیگر باشد. این سند قابل بازنویسی و به روز

شدن است. به هر حال دانش مدیران و کارشناسان ارشد وزارت آموزش و پرورش و مدعوین منجر به تدوین این سند شده است. حال باید دید که چقدر اراده برای اجرای این سند وجود دارد؟ کدام نیروی انسانی، کدام ساز و کار و کدام امکانات برای اجرای این سند به کار گرفته خواهد شد؟ بدیهی است که این سند در شورای راهبری و شورای عالی آموزش و پرورش با اصلاحاتی تصویب خواهد شد.

این سند باید «متفق‌علیه» باشد، یعنی باید مورد اتفاق کسانی که در آموزش و پرورش صاحب نظر هستند و در نهادهای قانونی مثل مجلس و دولت حضور دارند، قرار گیرد و حداقل نقد تند علیه آن نداشته باشند و شورای عالی انقلاب فرهنگی آن را بپذیرد و رد نکند.

حال با توجه به این مراحل به مرحله‌ی اجرایی می‌رسیم. من معتقدم که در بطن این سند تحولات متعدد نهفته است؛ یعنی این سند از حیث بینشی، کنشی، مهارت‌ها و جهت‌گیری‌ها دارای فلش‌های پرنرنگ است که به مؤلف و محقق برنامه‌های

کفه‌اش سنگین‌تر شود و از رذایل کم شود و به فضایل اضافه شود. ما کوچک که بودیم، بزرگ‌تران به ما می‌گفتند که امام خمینی (ره)، به شاه گفته است: «شما آموزش و پرورش را به ما بدهید، ما همه‌ی مملکت را درست می‌کنیم». اکنون آموزش و پرورش در دست ماست و تا متحول نشود، کارها درست نمی‌شود.

اگر من یک آرزو داشته باشم، همان آرزوی مقام معظم رهبری است که همان تحول بنیادین در آموزش و پرورش می‌باشد. امیدوارم تا زنده‌ام، این تحول را ببینم

■ **آقای مقدادی:** ان‌شاءالله با دعای حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه و اهتمام شما بزرگواران به این هدف بزرگ نایل شویم. بنده نیز به سهم خویش از تلاش خردمندانه و عاشقانه‌ی جناب‌عالی در تیم تولید و تدوین برنامه‌ی درسی ملی تشکر و قدردانی می‌کنم.

وزارت، مسئولان محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و مدیران و تولیدکنندگان طرح تشکر می‌کنم و اگر من یک آرزو داشته باشم، همان آرزوی مقام معظم رهبری است که همان تحول بنیادین در آموزش و پرورش می‌باشد. امیدوارم تا زنده‌ام، این تحول را ببینم. پرچمدار توسعه در کشور آموزش و پرورش است، زیرا نیروی مورد نیاز جامعه را تربیت و تأمین می‌کند که سجایای قرآنی و نهج‌البلاغه، سیره و سنت اهل بیت و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، در حکومت اسلامی باید به رفتار تبدیل شود و خیلی از خصلت‌های نادرست که محصول جهان غرب و دوران ستم‌شاهی است، مثل سستی، تنبلی، تن‌پروری، دوهه‌م‌زنی، خودخواهی، تحریک دیگران، زیرآب‌زنی، زیرپاکشی و امثال آن (که در فرهنگ عامیانه‌ی ماست) از بین برود و این فضیلت‌هایی که در طول ۳۰ سال اخیر، در دوران انقلاب اسلامی مردم ما به آن رسیدند، مثل راست‌گویی، شجاعت، عدالت، مردم‌داری، مساوات، احسان، حق‌گویی پیروی از ولایت و امامت، انس با قرآن و معرفت دینی

درسی سمت و سو می‌دهد. با این سند در آینده اتفاقات زیادی خواهد افتاد. کتاب‌ها و برنامه‌های درسی که از دل این برنامه متولد و ظهور پیدا می‌کند و منجر به فعالیت‌های تربیتی و یاددهی و یادگیری می‌شود و در کل خروجی آموزش و پرورش نسبت به قبل متفاوت خواهد بود. این مهم فقط در بحث برنامه‌های درسی تحقق پیدا نمی‌کند بلکه در آینده‌ی کشور اثرگذار خواهد بود؛ به شرطی که خوب دریافت، منقح و اجرا شود. اما اگر به صورت مشعشع به کتاب‌خانه‌ها، مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌ها برود، مثل همان سند شورای تغییر نظام آموزشی در دهه ۱۳۶۰ خواهد شد که هم‌اکنون نیز سندی مشعشع، تأثیرگذار، فخیم و کارآمد است اما تا اجرا فاصله وجود دارد. دغدغه‌ی ما تا امروز تولید سند بوده اما برای اجرای این سند باید عزم ملی به‌وجود آید.

■ **آقای مقدادی:** در پایان اگر مطلب خاصی به ذهن جناب‌عالی می‌رسد، بفرمایید.

● **دکتر زرهانی:** من از مدیران ارشد